

اسنادی از ارتباط شاپور بختیار و غلامعلی اویسی با قدرت ها و اجنبیان!

علی صدارت

بختیار در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۵۷ با پهلوی بر سر نخست‌وزیری به توافق رسید.

قصد امریکا در آن ماهها و هفته‌های منتهی به ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به طور خلاصه این بود: حفظ محمدرضا پهلوی به عنوان شاه؛ یا حفظ رژیم شاهنشاهی با حاکمیت شورای سلطنت؛ و یا حفظ شاپور بختیار برای کنترل منقلب شدن مردم و پیش‌گیری از فروپاشی رژیم و از دست رفتن کامل کنترل بر منابع ایران و استقرار رژیمی که حافظ منافع غرب باشد.

بختیار در جایگاهی که قرار گرفت، می‌توانست نقش تاریخ‌ساز و مهمی را در ساختن وطن، و در استقرار و استمرار و پیشبرد مردمسالاری ایفا کند. پشت کردن به قدرت و روی کردن به ملت، شعار ایرانیان در خیابان‌ها گشته، ولی او عکس آن را عمل کرد! بدین ترتیب از جمله عواملی شد که خود را سوزاند، و ایران و ایرانیان را هم!

در این رابطه، برخی اسناد از طبقه‌بندی خارج شده را در ذیل می‌آوریم:

شاپور بختیار در آیین اسناد تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا (بخش اول)

https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_britain_foreign_ministry_archive/2

[4289337.html](https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_britain_foreign_ministry_archive/2)

از ابتدای سال ۲۰۱۰ تاکنون با آزادسازی پرونده‌های تحولات سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، اطلاعات مختلفی درباره فعالیت‌های دکتر شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر سلسله پهلوی، در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است.

این نوشته خلاصه‌ای از گزارش‌ها و اسناد تازه آزاد شده بریتانیایی درباره بختیار در طول دو سال

۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ است. در این گزارش تلاش شده تا از اظهار نظر شخصی خودداری شده و صرفاً خلاصه ای از اسناد تازه آزاد شده درباره شاپور بختیار در فاصله این دو سال است.

سر آنتونی پارسونز آخرین سفیر بریتانیا در تهران، که اتفاقاً همزمان با خروج شاه از ایران ماموریتش در تهران پایان یافت، چه در گزارش سالانه ۱۹۷۸ خود که در نخستین روزهای سال ۱۹۷۹ منتشر شد و چه در گزارش تودיעی پایان ماموریتش، به بررسی موقعیت بختیار در آستانه پذیرش مقام نخست وزیری پرداخت. پارسونز در گزارش سالانه خود، ضمن مشخص نبودن دقیق خواسته‌های بختیار پیش بینی کرد که به شدت محتمل است شاه به خواسته بختیار درمورد خروج به ظاهر کوتاه مدت خود از کشور تن بدهد.

شاه در دیدار دوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۲ دی ۱۳۵۷) به ویلیام سولیوان سفیر آمریکا گفت که «در عین بدبینی نسبت به موفقیت دولت بختیار، مجبور به انتخاب اوست، چرا که برگ پرنده دیگری در آستین خود ندارد.»

به اعتقاد هنری پرشت، رییس میز ایران در وزارت خارجه آمریکا، بیش از یک میلیون نفری که در خیابان‌های تهران بیرون ریخته بودند به همراه کمیته‌های اجرایی در وزارتخانه‌ها مانع حمایت ارتش از بختیار بودند. در این مرحله، پرشت و هال ساندرز به عنوان دو مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا در امور ایران معتقد بودند که بهترین گزینه برای حل مشکل ایران ایجاد نوعی «راه حل ایرانی» از طریق از طریق ائتلاف بین بازرگان و بختیار است. در این مسیر مقامات وزارت خارجه آمریکا ترتیبی داده بودند که با همه جناح‌های سیاسی درگیر در موضوع ایران تماس برقرار شود. روز دوم ژانویه (۱۲ دی)، سر آنتونی پارسونز سفیر بریتانیا که آخرین روزهای ماموریت خود در تهران را سپری می‌کرد، یک مکالمه طولانی تلفنی با شاپور بختیار انجام داد. در این گفت و گو، بختیار اعلام کرد: «ده عضو از پانزده عضو کابینه خود را مشخص کرده و صرف نظر از یک اختلاف کوچک و مختصر، قم را نیز در کنار خود داشته و بازرگان و گروه‌های

بازاری هم عملا در کنار او هستند. سنجابی با او همکاری نخواهد کرد، ولی بختیار امیدوار است که بتواند دل سنجابی را به دست آورده و او را به عضویت هر شورایی که پس از خروج شاه از کشور تشکیل خواهد شد در آورد.»

پارسونز پس از مکالمه تلفنی با بختیار، در گزارش خود به لندن چنین اظهار داشت: «واقعیت این است که کشور در مرحله‌ای نزدیک به فلج شدن است. فقط مقامات نظامی دارای قدرت انجام وظیفه هستند و تنها اپوزیسیون است که بر مردم نفوذ دارد. به قضاوت من، بختیار، که از همین حالا در خیابان ها با او مخالفت می کنند، بدون خروج فوری شاه از کشور پس از تشکیل دولت جدید، هیچ امیدی برای نجات ندارد. تنها چیزی که احتمالا می توان اوضاع را باثبات کرده و امور اقتصادی و اداری را آرام کند، خروج شاه است. حتی آن دسته از دوستان من که وفادارترین افراد به سلطنت هستند نیز طی چند هفته اخیر کاملا نسبت به این امر متقاعد شده اند.»

در یک گزارش سری توجیهی دفتر نخست وزیر بریتانیا که در سوم ژانویه ۱۹۷۹ (۱۳ دی ۱۳۵۷) و سه روز قبل از آغاز اجلاس گوادلوپ تهیه شده، تاکید شد که یکی از تبعات انتخاب احتمالی شاپور بختیار به نخست وزیری ایران می تواند درخواست او از شاه برای خروج موقت از کشور باشد که این اقدام می تواند آغازی بر پایان شاه و سلطنتش باشد.

سفارت بریتانیا در تهران در یکی از گزارش های توجیهی که برای استفاده **جیمز کالاهان نخست وزیر** و تنها یک روز قبل از آغاز نشست سران در گوادلوپ ارسال کرد، از احتمال ممانشات موقت دولت بختیار با برخی از نیروهای معتدل از قبیل مهدی بازرگان و برخی از آیت الله های قم صحبت شده، ولی تاکید شده که کریم سنجابی رهبر جبهه ملی که بختیار را از این جبهه اخراج کرده، احتمالا از سر حسادت به مخالفت با دولت بختیار خواهد پرداخت. در ادامه این گزارش درباره توفیق احتمالی دولت بختیار آمده است: «نیروهای میانه رو علاقمند هستند که به بختیار شانس برای موفقیت بدهند، ولی این موضوع به بستگی به این دارد که شرایط عمومی مرتبط با خروج شاه موجب رضایت آیت

الله خمینی خواهد شد یا نه؟»

سفارت بریتانیا در تهران در یکی از گزارش‌های توجیهی که برای استفاده جیمز کالاهان نخست وزیر و تنها یک روز قبل از آغاز نشست سران در گوادلوپ ارسال کرد، از احتمال ممانشات موقت دولت بختیار با برخی از نیروهای معتدل از قبیل مهدی بازرگان و برخی از آیت‌الله‌های قم صحبت شده، ولی تاکید شده که کریم سنجابی رهبر جبهه ملی که بختیار را از این جبهه اخراج کرده، احتمالاً از سر حسادت به مخالفت با دولت بختیار خواهد پرداخت.

سوال اصلی در این گزارش این است که «شرایط مطرح شده بین شاه و بختیار برای خروج شاه از ایران، بر خلاف نظر اردشیر زاهدی و ژنرال‌های کمی تندرو، چه بوده و این شرایط با توجه به تاکید آیت‌الله خمینی بر ضرورت سرنگونی کامل نظام سلطنت در ایران، موضع انقلابیون در این باره چه خواهد بود؟»

بر اساس یک گزارش سری از نشست سوم روز دوم کنفرانس گوادلوپ (شنبه ششم ژانویه)، در زمان طرح موضوع ایران، شرکت کنندگان (روسای جمهوری آمریکا و فرانسه، نخست وزیر بریتانیا و صدراعظم آلمان) در این نکته که شاه ظاهراً چاره‌ای جز ترک ایران ندارد نظر مشترک داشتند. جیمی کارتر از خروج شاه طی چند روز آینده خبر داد. با این همه رئیس جمهور آمریکا با لحنی امیدوار عنوان کرد که به نظر او بخت به ثبات رسیدن ایران در شرایط حاضر، در آستانه تشکیل دولت بختیار، بیشتر از دو هفته قبل است.

پارسونز همچنین در گزارش محرمانه هفتم ژانویه (۱۷ دی) با وجود تاکید بر توافق بختیار با محمد رضا شاه برای خروج او از کشور دو روز پس از دریافت رای اعتماد کابینه جدید از مجلس شورای ملی، زمان خروج شاه را مبهم عنوان کرد و گفت اکنون به نظر می‌رسد که برنامه خروج شاه ظاهراً به تاخیر افتاده است.

پارسونز درباره تبعات احتمالی تاخیر در خروج شاه نوشت: «به نظر می‌رسد این تاخیر در برنامه زمانی اصلی که توسط بختیار پیش بینی شده، شانس نجات او را از بین می‌برد. فضا به طور کامل

آکنده از تنش و انتظار است. خمینی پیشاپیش در پیامی که در پاریس صادر کرده دولت جدید را به عنوان نقشه‌ای خطرناک و اقدامی شیطانی محکوم کرده و از مردم خواسته با آن همکاری نکرده و به اعتصاب خود ادامه دهند. هر روزی که دولت بختیار با ادامه حضور شاه در کشور به کارش ادامه دهد، این احتمال وجود دارد که بخت بختیار برای جلب حمایت اپوزیسیون از بین برود.»

در شرایطی که خود شاه نیز مصمم به رفتن به سفر بی بازگشتش به خارج از کشور بود، روز هشتم ژانویه (۱۸ دی) پارسونز نیز برای خداحافظی همیشگی از ماموریت در تهران به دیدار شاه در کاخ نیاوران شتافت. در این دیدار تودיעی شاه به پارسونز گفت که دوست دارد همین امروز از ایران برود، ولی هنوز برای این که قبل یا بعد از کسب رای اعتماد بختیار برود یا نه تصمیمی نگرفته است.

مشکل این جا بود که کسب رای اعتماد از مجلس شورا و سنا ممکن بود تا یک هفته طول بکشد و تعداد زیادی از نمایندگان خواهان صحبت درباره دولت جدید و وزیرای پیشنهادی بودند و تعدادی از نمایندگان اعلام کرده بودند که در صورت ترک کشور توسط شاه از رفتن به پارلمان هراس خواهند داشت.

پارسونز به شاه گفت: «به دلایلی که هر دو ما می فهمیم، تمرکز کل تنش بر روی شخص شاه است و تا زمانی که او در کشور حضور دارد مردم باور نمی کنند که چیزی تغییر کرده است. کشور در وضع برزخی است. تنها شانس برای بختیار و نجات نهایی سلطنت، رهایی از این تنش است و این مساله بدون خروج شاه از کشور میسر نخواهد شد. به نظر من هر روزی که وضع کنونی ادامه یابد شانس موفقیت دولت بختیار از بین خواهد رفت. من البته موفقیت دولت بختیار را نمی توانم تضمین کنم. خطر بسیار جدی است، ولی در عین حال هیچ آلترناتیو دیگری در حد فاصل بین بختیار و ظهور سریع افراطی‌گری و اغتشاش هم نمی‌بینم.»

در ادامه این دیدار، شاه با اعلام این که برخی از امرای ارتش همچنان در تلاشند تا او را متقاعد کنند تا از خروج از کشور خودداری کند، عنوان کرد که با وجود تلاش شخصی او و ملکه برای تجدید

نظر، ارتشبد جم از قبول پست وزارت دفاع خودداری کرده است، چرا که جم اعتقادی به موفقیت دولت بختیار ندارد.

شاه با اعلام این که برخی از امرای ارتش همچنان در تلاشند تا او را متقاعد کنند تا از خروج از کشور خودداری کند، عنوان کرد که با وجود تلاش شخصی او و ملکه برای تجدید نظر، ارتشبد جم از قبول پست وزارت دفاع خودداری کرده است، چرا که جم اعتقادی به موفقیت دولت بختیار ندارد.

همزمان با این گزارش و در همان روز، سفیر بریتانیا برای خداحافظی به دیدار نخست وزیر جدید ایران شتافت. در این دیدار بختیار که به زبان فرانسه سخن می گفت عنوان کرد که در برنامه خود همه آن چیزی را که از حکومت مطالبه می کردند به آن ها داده است. بختیار بدون ذکر نام به پارسونز گوشزد کرد که شاه پیشنهاد نخست وزیری را دست کم به پنج نفر دیگر پیشنهاد کرده بود، ولی همه آن ها از پذیرش این سمت خودداری کرده بودند، ولی او فکر کرده که در این شرایط بغرنج وظیفه دارد که با وجود مشکلات این مسئولیت را بپذیرد.

بختیار یکی از مشکلات کنونی کشور را به گردن آمریکایی ها انداخته بود که با نادیده گرفتن

نیروهای اپوزیسیون شرایط را به این مرحله رسانده بودند.

پارسونز در مقابل ضمن رد این نظر گفت: «دولت بریتانیا چنین نبوده، ولی تا همین چندی پیش ادامه ارتباط و همکاری با ایران در صورت ارتباط با نیروهای اپوزیسیون ممکن نبود و هر گونه ارتباطی از این دست سوءظن و دشمنی شاه را افزایش می داد. این شرایط انتخاب ما نبود، و ما قادر به اصلاح این امر نبودیم».

در این مقطع با آن که آمریکا و بریتانیا امید چندان به توفیق دولت بختیار نداشتند، ولی همچنان از

او نیز همانند دولت های قبلی منصوب شاه حمایت می کردند. روز ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹ (۲۵ دی

۱۳۵۷) تنها یک روز قبل از خروج همیشگی شاه از ایران، پیتر جی سفیر بریتانیا در آمریکا در

یک گزارش سری از قول سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا نوشت که بختیار با شنیدن خبر ارسال

پیام حمایت آمریکا از دولت جدید ایران از ونس خواسته که این پیام را علنی نکنند. چرا که به قول جی: «حمایت خیلی آشکار غرب از بختیار موجب دردسر او خواهد شد.» با این همه دیگر اسناد این مجموعه نشان می دهد که بختیار و همکارانش از علنی شدن حمایت واشنگتن از دولت وی ناراحت شده و در افکار عمومی ضرر کرده بودند.

(۲۵ دی ۱۳۵۷)

...ونس همچنین تاکید کرده بود که آمریکا تلاش می کند تا از بروز کودتا توسط ارتش جلوگیری کند...

ونس همچنین تاکید کرده بود که آمریکا تلاش می کند تا از بروز کودتا توسط ارتش جلوگیری کند و به همین دلیل به طور مرتب با جناح هایی از هر دو طرف مناقشه ایران در تماس است. او از «گروه بازرگان» به عنوان یکی از موارد مورد تماس از سوی مخالفان یاد کرد و عنوان نمود: «خمینی از آمریکایی ها خواسته تا او را در تماس با ارتشی ها قرار دهند ... ونس تاکید کرد که بسیار مهم است که از درگیری خمینی و ارتش به عنوان دو نیروی اصلی ضد کمونیسم در ایران جلوگیری شود».

روز ۱۹ ژانویه (۲۹ دی) سه روز پس از کسب رای اعتماد توسط دولت بختیار در مجلس شورای ملی و خروج شاه از کشور و همزمان با تظاهرات روز اربعین در ایران، دیوید نیوسام معاون جدید وزیر خارجه، در نشستی محرمانه در سنای آمریکا به تشریح وضع ایران و مواضع دولت کارتر در این مساله پرداخت و تاکید کرد که ابراز حمایت دولت کارتر از دولت بختیار ادامه خواهد داشت.

به دنبال خروج دائمی پارسونز از ایران، تا زمان ورود سر جان گراهام سفیر جدید، برای مدتی کوتاه چالمرز به عنوان نفر اول موقت سفارت فعالیت داشت.

چالمرز روز ۲۹ ژانویه (نهم بهمن) سه روز قبل از بازگشت آیت الله خمینی به ایران، از «نامحتمل و غیر ممکن بودن فرضیه ائتلاف سه جانبه بین بختیار، خمینی و ارتش» خبر داد. بر اساس این

گزارش، اگرچه نیروهای مسلح و ارتشبد قره باغی رییس ستاد ارتش ایران همچنان در ظاهر از دولت بختیار پشتیبانی می کردند، ولی «مشکل نارضایتی در نیروی هوایی، هر چند در رده‌های پایین»، وجود دارد.

او (بختیار) مردی تاثیر گذار، شجاع، باهوش و دوست داشتنی است، اگرچه من از این می ترسم که او بیشتر فرانسوی است و کمتر ایرانی و قابلیت انعطاف کمی برای یافتن راهی برای خروج از تنگنا دارد. اگر بختیار درست فکر کرده باشد که مردم کم کم از دست خمینی خسته خواهند شد، ممکن است نجات پیدا کند، ولی من می ترسم که نظر بختیار در این مورد درست نباشد.

سر جان گراهام، سفیر بریتانیا در تهران

در این زمان در لندن و واشنگتن از ارتشبد فریدون جم، به عنوان یکی از گزینه‌های در دست گرفتن قدرت با کودتا یا همراهی با انقلابیون مسلمان یاد می‌شد. در دیداری که بین جم و **کینگمن پروستر** **سفیر آمریکا در لندن**، همزمان با بازگشت آیت الله خمینی به تهران، در روز اول فوریه (۱۲ بهمن) در لندن صورت گرفت، جم اعلام کرد: «او هیچ تماسی با خمینی ندارد، هرچند که توسط اطرافیان خمینی دریافته که آیت الله خواهان تماس با او است. ... به نظر جم، اطرافیان خمینی تحت تاثیر کمونیست‌ها هستند و توقع می‌رود که به محض کسب قدرت توسط خمینی، چپ گرایان از او جدا شده و اهداف خود را پیش ببرند. به گفته جم، هیچ یک از اطرافیان نزدیک به خمینی در او نفوذ نداشته و در تصمیم گیری‌های او تاثیر ندارند.»

با این همه دیدگاه جم درباره مهدی بازرگان و شاپور بختیار تفاوت داشت: «در پاسخ به سوالی درباره نقش احتمالی بازرگان، جم گفت که بازرگان بسیار مورد احترام خمینی و مردم ایران است. به گفته جم، بازرگان انقلابی نیست و مردی دارای دیدگاه‌های واقعی لیبرال است. او نه تنها می‌تواند رییس دولت شود، بلکه می‌تواند بهترین گزینه خمینی نیز باشد.»

به اعتقاد جم، «مشروعیت بختیار از مجلس شورای ملی برخاسته بود و این مجلس، خود محصول ساواک و ابزاری در دست شاه بوده است».

سر جان گراهام، سفیر جدید بریتانیا، در ابتدای ماه فوریه وارد تهران شد و بلافاصله به دیدار ویلیام سولیوان سفیر آمریکا شتافت. در این دیدار که روز چهارم فوریه (۱۴ بهمن) صورت گرفت، هر دو سفیر، همچون دیگر دولت‌های غربی، از تداوم به رسمیت و قانونی شناختن دولت بختیار در برابر دولت در آستانه معرفی توسط آیت الله خمینی خبر دادند.

به گفته سولیوان، دو جناح اصلی در صحنه سیاسی ایران با هم بی ارتباط نبودند و در ارتباطاتی که توسط برخی از یاران امام خمینی از قبیل آیت الله محمد بهشتی، مهندس مهدی بازرگان و دیگران با دولت بختیار گرفته شده بود، مهمترین موضوع مورد اختلاف تعیین این نکته بود که چه کسی باید نظارت بر انتخابات مجلس موسسان را برعهده داشته باشد: «بختیار تشکیل یک کمیسیون مختلط را نپذیرفته و خمینی هم بر کنترل کامل خود بر این موضع پافشاری می کند».

گراهام در یک گزارش مشابه دیگر ضمن پیش بینی معرفی بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انقلابی، از «ژنرال سابق احمد مدنی» به عنوان «رابط بین بختیار و خمینی و کسی که به شدت برای پذیرش یک راه حل از سوی طرفین، از قبیل منصوب شدن بختیار به یک سمت ارشد در دولت موقت خمینی تلاش می کند» یاد کرد.

روز پنجم فوریه (۱۵ بهمن)، بازرگان به همراهی مشاور امور بین المللی اش، عباس امیرانتظام به دیدار سفیر جدید بریتانیا رفتند.

در این دیدار، بازرگان اعلام کرد که بین جناح آیت الله خمینی و بختیار به طور مرتب ارتباط وجود دارد، ولی این مذاکرات به نتیجه‌ای نرسیده است. خمینی قانون اساسی ۱۹۰۶ مشروطیت و سلطنت پهلوی را غیر قانونی می داند و حتی قبل از روی کار آمدن بختیار هم گفته بود که با هیچ مقام رسمی

در ایران معامله نمی‌کند. از سوی دیگر، بختیار هم خود را نخست‌وزیر قانونی می‌داند و در روزهای اخیر نیز فاصله این دو جناح بیشتر شده است.

پس از این دیدار، سفیر جدید بریتانیا به دیدار بختیار رفت و او را نیز در جریان گفت و گوی خود با بازرگان گذاشت. بختیار با اظهار شگفتی از مواضع اعلام شده توسط بازرگان در مخالفت با دولت بختیار گفت: «باور نمی‌کند که بازرگان که تا چند روز قبل خمینی را غیرقابل حمایت می‌خواند اکنون این گونه عمل می‌کند.» بختیار در ادامه ضمن مخالفت با روی کار آمدن بازرگان به عنوان نخست‌وزی انقلاب گفت: «مانعی نمی‌بیند که وی به عنوان نخست‌وزیر دولت سایه عمل کند. ولی اگر بخواهد به عنوان نخست‌وزیر وارد کاخ نخست‌وزیری شود به سوی او تیراندازی خواهد شد.»

بختیار عنوان کرد که «آماده اصلاح قانون اساسی با روش‌های قانونی هستم نه از طریق پرتاب کوکتل مولوتف. ... اگرچه خود شخصا یک جمهوری‌خواه هستم، ولی تغییر نظام خیلی زود است و سلطنت باید ده تا بیست سال دیگر ادامه یابد».

گراهام در پایان این دیدار، بختیار را این گونه تحلیل کرد: «او مردی تاثیر گذار، شجاع، باهوش و دوست داشتنی است، اگرچه من از این می‌ترسم که او بیشتر فرانسوی است و کمتر ایرانی و قابلیت انعطاف کمی برای یافتن راهی برای خروج از تنگنا دارد. اگر بختیار درست فکر کرده باشد که مردم کم‌کم از دست خمینی خسته خواهند شد، ممکن است نجات پیدا کند، ولی من می‌ترسم که نظر بختیار در این مورد درست نباشد».

شاپور بختیار در آیین اسناد تازه آزاد شده در آرشیو ملی بریتانیا (بخش اول)

ایمری درباره دیدار با بختیار هم چنین نوشته است: «بختیار هم تماس نزدیکی با عراقی‌ها برقرار کرده و یک یا چند ملاقات دوستانه با صدام حسین داشته است. قدردانی بختیار از نیات صدام حسین، واقعا همانند اوپسی است. همانند اوپسی، به بختیار نیز امکاناتی داده شده تا برخی از افرادش در

عراق مستقر شده و به داخل ایران نفوذ کنند. او هم یک ایستگاه رادیویی برای خودش دارد که از رادیوی اویسی جدا است."

عراقی‌ها به بختیار و اویسی پیشنهاد کمک داده‌اند و صدام حسین شخصا به این موضوع اظهار علاقه کرده است. برادر او [برزان ابراهیم حسن التکریتی] رئیس سازمان امنیت [عراق] دستور کمک داده است. به بختیار پیشنهاد گشایش دفتری در بغداد داده شده و اویسی می‌اندیشد که اکنون می‌تواند گروه‌های کماندویی به داخل ایران بفرستد. آنان در این مرحله خواستار کمک بریتانیا به شکل تأیید نقشه‌هایشان هستند. آنها فکر می‌کنند روی آوردن به ما [بریتانیا] عاقلانه‌تر از کمک خواستن از آمریکا است."

https://www.radiofarda.com/.../f4_bakhtiar../24289337.html

شاپور بختیار در آینه اسناد تازه آزاد شده آرشیو ملی بریتانیا

(بخش دوم)

[https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_activity_documents_britain_archive_02/24292446.html?fbclid=IwAR2Sg-](https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_activity_documents_britain_archive_02/24292446.html?fbclid=IwAR2Sg-g3xnLXI1RIXbbR5w7VP_TojHAO78jqvZE2LUtfuG-0AjpYOhmbjF8)

[e_02/24292446.html?fbclid=IwAR2Sg-](https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_activity_documents_britain_archive_02/24292446.html?fbclid=IwAR2Sg-g3xnLXI1RIXbbR5w7VP_TojHAO78jqvZE2LUtfuG-0AjpYOhmbjF8)

[g3xnLXI1RIXbbR5w7VP_TojHAO78jqvZE2LUtfuG-0AjpYOhmbjF8](https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_activity_documents_britain_archive_02/24292446.html?fbclid=IwAR2Sg-g3xnLXI1RIXbbR5w7VP_TojHAO78jqvZE2LUtfuG-0AjpYOhmbjF8)

در فاصله بهمن ۱۳۵۷ تا مرداد ۱۳۵۸، و دوران اختفا و خروج پنهانی اش از ایران، گزارش مهمی در اسناد رسمی بریتانیایی درباره شاپور بختیار وجود ندارد. آشکار شدن بختیار پس از شش ماه اختفا و آغاز مجدد فعالیت های سیاسی او در فرانسه، به سوژه و محور جدیدی برای وزارت خارجه بریتانیا تبدیل شد.

بر اساس گزارش دوم آگوست ۱۹۸۰ (۱۱ مرداد ۱۳۵۹) فرانسویس گری یه، یکی از مسئولان بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا، بختیار در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود در پاریس، خود را با ژنرال شارل دوگل مقایسه کرد و گفت که او نیز همچون دوگل برای رهایی کشورش از اشغال مبارزه می‌کند.

گری در گزارش خود علاقه حاکمان جدید ایران بر بازگشت بختیار به کشور را مردود فرض کرد و احتمال آشتی بختیار با نظام کنونی را «بسیار بعید» دانست. بر اساس پیش بینی گری یه، با آغاز کارزار سیاسی بختیار در پایتخت فرانسه، «احتمال دارد که پاریس به قبله گاه جنبش مقاومت در تبعید تبدیل شود».

در گزارش گری یه، هم زمان شدن آغاز فعالیت‌های علنی سیاسی بختیار در پاریس با سخنان انتقادی اخیر آیت‌الله کاظم شریعتمداری درباره لزوم خودداری روحانیان در مداخله در امور غیردینی و دیدارهای شریعتمداری با آیت الله حسن قمی و آیت الله عبدالله شیرازی دو مرجع منتقد دیگر در مشهد قابل توجه ارزیابی شده است.

در این مقطع گزارش‌های متعددی به وزارت خارجه بریتانیا درباره فعالیت‌های سیاسی بختیار ارسال می‌شد. موضع رسمی لندن در این باره، توجه دقیق به فعالیت‌های بختیار به عنوان یک «گزینه ضعیف» بود که «اشتباه است او را به طور کامل از داستان خط بزنیم».

نظرهای چهره‌های مختلف ایرانی در خارج از کشور درباره بختیار یکسان نبود.

رضا فلاح، قائم مقام شرکت نفت ایران در دوران محمد رضا شاه، امید بازگشت سلطنت و سرنگونی جمهوری اسلامی توسط بختیار را میسر می‌دانست. فلاح در دیدار هشتم آگوست (۱۷ مرداد) خود با آنتونی پارسونز لندن، گفت که مطابق رای مجلس، بختیار همچنان نخست وزیر قانونی ایران است و

مردم پشتیبان او هستند. به گفته فلاح، هدف فوری و تاکتیکی مخالفان حکومت جدید ایران، تاسیس یک دولت در تبعید احتمالاً در فرانسه و تحت رهبری بختیار بود.

بر اساس گزارش های تازه آزاد شده درباره نخستین روزهای آغاز جنگ ایران و عراق، در این دوره، شماری از کشورهای عربی و اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور، به خصوص اویسی و بختیار، بر این باور بودند که با حمله عراق به ایران ظرف یک هفته ارتش ایران شکست خواهد خورد و در طول یک ماه حکومت اسلامی سرنگون شده و دولت جدید تحت حمایت عراق در تهران، یا دست کم مناطق اشغالی مستقر خواهد شد.

پارسونز در پاسخ به فلاح گفت که پشتیبانی بختیار به به قانون اساسی مشروطیت و اخذ فرمان نخست وزیری از شاه است. این در حالی است که همین ارتباط با شاه و قانون اساسی مشروطیت حامی شاه، موجب هلاکت دولت بختیار شد.

به گفته پارسونز، حتی اگر بختیار بخواند شورای سلطنت هم تشکیل بدهد باز هم باید خود را متکی به جلب حمایت شاه یا ولیعهد بکند و این حمایت، بخت بختیار را برای بازگشت از بین خواهد برد.

نگاه همه ایرانیان مهاجر همچون فلاح و داوود آلیانس به فعالیت های بختیار چندان خوشبینانه نبودند. مثلاً، رحیم ایروانی مدیر و مالک صنایع ملی شده کفش ملی در دیداری با یکی از دیپلمات های ارشد بریتانیایی در لندن بازگشت شاه یا ولیعهد به ایران و یا حتی تشکیل شورای سلطنت، ولو در صورت مرگ آیت الله خمینی طی یکی دو سال آینده را منتفی دانست. ایروانی پیش بینی کرد که «نوعی رژیم دینی» برای یک یا دو دهه در ایران ادامه خواهد یافت.

امیر خسرو افشار دیپلمات ارشد و وزیر خارجه سابق ایران نیز در روز دوم اکتبر (۱۰ مهر) در دیدار با یکی از دیپلمات های بریتانیایی مقیم تهران که موقتاً به لندن آمده بود گفت که به توان بختیار

برای جلب هیچ گونه حمایتی از داخل ایران اعتقاد ندارد و حمایت خارجی از بختیار هم به هیچ دردی نمی خورد.

افشار معتقد بود که این معادله ممکن است در صورت فوت خمینی تغییر کند، ولی فعلا دورنمای روشنی برای موفقیت بختیار دیده نمی شود.

لرد پیتر کرینگتون، وزیر امور خارجه بریتانیا، در یک گزارش سری به تاریخ ۲۳ اوت (اول شهریور) با نام بردن از داوود آلیانس بازرگان یهودی ایرانی تبار به عنوان «شریک تجاری منچستری بختیار» از درخواست آلیانس از مقامات بریتانیا در جهت واسطه شدن برای جلب همکاری حکومت صدام حسین در عراق با بختیار یاد کرده است.

کرینگتون عنوان کرد که حکومت عراق علاقمند است حکومت جدید ایران از طریق یک جنبش ملی گرایانه و نه یک حرکت رادیکال سرنگون شود.

یکی از علاقمندان و حامیان بختیار در بین سیاست ورزان بریتانیایی، جولیان ایمری، معاون سابق وزارت امور خارجه و نماینده با نفوذ و پر سابقه آن کشور بود. ایمری در نیمه آگوست (اواخر مرداد) در پاریس با بختیار دیدار کرد. در این دیدار بختیار بخشی از «شکست خود برای نجات شاه» را به «انتخاب دیر هنگام خود» مرتبط کرد. این در حالی بود که بختیار «اعتبار خروج شاه از ایران را متعلق به خود و بر اساس توصیه کارتر» دانست. به باور بختیار، خروج شاه از ایران مانع به راه افتادن حمام خون توسط ارتش ایران شد.

در این دیدار، بختیار نیز مدعی لرزان بودن موقعیت حکومت جدید تهران شد: «رژیم خمینی بیشتر از چند ماه دیگر نمی تواند دوام یابد و چند گروه کمونیست و جدایی طلب آماده در دست گرفتن قدرت هستند».

در ادامه این گفت و گو، بختیار از احتمال انجام یک کودتا از جنوب کشور و بازگرداندن سلطنت به ایران به وسیله به تخت نشاندن رضا پهلوی ولیعهد صحبت کرد. در عین حال بختیار شاه را «غیر قابل پذیرش» ارزیابی می کرد و هیچ شانس برای بازگشت او به قدرت در ایران قائل نبود.

در همین دیدار بختیار بار دیگر از ایمری نیز خواست تا میانجی جلب حمایت حکومت صدام حسین در عراق از تلاش وی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران شود.

در تداوم این گفت و گو و دیدار لرد جورج- براون، وزیر سابق امور خارجه و اقتصاد در کابینه هارولد ویلسون و معاون پیشین حزب کارگر، با بختیار در پاریس بود که در روز ۳۰ اوت (۸ شهریور) براون با صدام حسین رئیس جمهور جدید عراق، که تنها یک ماه و نیم از کودتای آرام او علیه احمد حسن البکر می گذشت دیدار کرد. در این دیدار حامد علوان وزیر امور خارجه عراق نیز حضور داشت.

در این ملاقات براون با اشاره به امکان همکاری های بختیار و حکومت عراق، خواهان همکاری بغداد و بختیار علیه حکومت اسلامی ایران شد. آغاز فعالیت های رادیویی و تبلیغاتی طرفداران بختیار در داخل عراق از تبعات دیدار براون با صدام حسین بود.

جولیان ایمری در روز ۲۱ مارس ۱۹۸۰ / اول فروردین ۱۳۵۹ در دیداری با کرینگتون وزیر خارجه بریتانیا با اعلام این که با شماری از مخالفان تبعیدی سرشناس جمهوری اسلامی از قبیل بختیار، فریدون جم، غلامعلی اویسی و اردشیر زاهدی دیدار داشته، گزارشی از فعالیت های آنان را ارائه کرد.

به گفته ایمری، عراقی ها به بختیار و اویسی پیشنهاد کمک داده اند و صدام حسین شخصا به این موضوع اظهار علاقه کرده است. برادر صدام [برزان ابراهیم حسن التکریتی] رئیس سازمان امنیت

[عراق] دستور کمک داده است. به بختیار پیشنهاد گشایش دفتری در بغداد داده شده و اویسی بر این گمان است که که اکنون می‌تواند گروه‌های کماندویی به داخل ایران بفرستد.

ایمیری ادامه داد، در این مرحله اویسی و بختیار خواهان کمک بریتانیا در شکل تأیید نقشه‌های آنان هستند. به گفته اویسی و بختیار، «روی آوردن به بریتانیا عاقلانه‌تر از کمک خواستن از آمریکا است».

لرد کرینگتون در واکنش به سخنان ایمیری گفت که به نظر دولت بریتانیا، اویسی هیچ شانس ندارد و همکاری او با بختیار هم تاکتیکی است. وزیر خارجه بریتانیا افزود: «اقدام برای سرنگونی رژیم انقلابی با کمک گرفتن از خارج، نتیجه معکوس خواهد داشت و حتی ممکن است حکومت انقلابی ایران را در آغوش روس‌ها بیاندازد».

سه روز بعد در روز ۲۴ مارس [۱۹۸۰] (چهارم فروردین [۱۳۵۹])، داوود آلیانس، در نیویورک با پارسونز که به تازگی نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل شده بود، مدعی تماس‌های گسترده بختیار در ایران و آماده شدن مقدمات بازگشت او به ایران شد.

آلیانس عنوان کرد که بختیار تماس‌های سطح بالایی با ایران داشته و با اعضای ارشد تعدادی از کمیته‌ها و حتی آیت‌الله بهشتی هم در تماس بود. به گفته آلیانس، شریعتمداری هم آماده بود تا در زمان مناسب به هر کسی که امکان سرنگونی خمینی را داشته باشد قول همکاری بدهد.

نتیجه‌گیری پارسونز درباره دیدارش با آلیانس این بود: «بختیار به این نتیجه رسیده که احساسات ضد خمینی در سراسر ایران در حال گسترش است و لحظه سرنوشت چندان دور نیست».

پارسونز تاکید کرد: ظاهراً بختیار پول زیادی برای این عملیات دارد. صحبت‌هایی درباره فوران نعمت عراقی شده و آلیانس از کمک اسرائیلی‌ها به بختیار هم صحبت کرده است.

پارسونز در پاسخ به درخواست دوباره آلیانس برای حمایت بریتانیا از بختیار، با کنایه به بازگشت آیت الله خمینی به ایران، اعلام کرد که در جریان امور ایران نیست، ولی برایش بسیار دشوار است که فکر کند در شرایط فعلی بختیار بتواند فاتحانه از طریق مهرآباد به ایران برگردد.

دیدارهای آلیانس به نیابت از بختیار با مقامات بریتانیایی همچنان ادامه می‌یافت. روز ۱۹ ژوئن/ ۲۹ خرداد، دیوید میرز رییس بخش خاورمیانه وزارت خارجه به دنبال درخواست اضطراری آلیانس با او دیدار کرد. این دیدار به دنبال دیدار بختیار با آلیانس انجام شد.

آلیانس تاکید کرد که «بختیار هم اکنون در پول غلت می‌زند و آماده برای اقدام است. او یک سازمان در ایران و سه ایستگاه رادیویی دارد، یکی به صورت سیار، مستقر و فعال در اطراف تهران، یکی در عراق و یکی در جایی دیگر».

آلیانس یک بار دیگر به نیابت از بختیار از میرز درباره «موضع بریتانیا» در قبال فعالیت های بختیار سوال کرد. به گفته الیانس، بختیار از آمریکایی‌ها دست کشیده و آن‌ها را «احمق و بی‌ربط» می‌داند. ولی از نظر بختیار بریتانیایی‌ها عاقل‌ترند.

این در حالی بود که آلیانس اظهار داشت بختیار گفته است که حمایت بریتانیا از او «بوسه مرگ» است. بختیار هم ضمن تایید دیدگاه «شریک منچستری» خود گفته بود که مقامات لندن باید نقشه‌ای داشته باشند، چرا که آن‌ها زیرک‌تر از آن هستند که ساکت نشسته و اجازه دهند ایران به دست کمونیست‌ها بیفتد. او فقط یک تضمین حمایتی برای آغاز کار می‌خواهد و ارائه این تضمین تضادی با سیاست‌های لندن ندارد.

بر اساس یک گزارش محرمانه، در دیدار اندرو ویتلی خبرنگار پیشین بی.بی.سی و روزنامه نگار مقیم ایران با استیون لمپورت یکی از مسئولان ارشد بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا، در ۲۵

ژوئن ۱۹۸۰/۴ تیر ۱۳۵۹ مسائل مختلف ایران به ویژه وضعیت اپوزیسیون خارج از کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به عقیده ویتلی، سه رادیو خارج از کشوری صدای آزاد ایران (وابسته به اویسی)، رادیو ایران (وابسته به بختیار) و یک رسانه گفتاری جدید به نام رادیو وطن (از قاهره) تاثیر زیادی در ایران داشتند. بر اساس این گزارش، رادیو وطن به احتمال قریب به یقین توسط آمریکایی‌ها حمایت مالی می‌شد.

ویتلی که مناسبات نزدیکی با بختیار داشت، از احتمال حمایت عراق، عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس از فعالیت های بختیار و اویسی سخن گفت.

ادامه این دیدارها به سفر آخر ژوئن (اوایل تیر) جولیان ایمری و پیتر تمپل موریس، دیگر عضو ارشد آن زمان حزب محافظه کار در پارلمان بریتانیا، به پاریس و دیدار طولانی و جداگانه آن دو با اویسی و بختیار منجر شد. ایمری و تمپل موریس گزارش هایی از این دو دیدار تهیه و به مقامات بریتانیا ارسال کردند. این دیدارها در فاصله‌ای کمتر از دو هفته قبل از شکست کودتای نوژه در ایران صورت گرفته بود.

بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا در روز ۱۴ اکتبر/ ۲۲ مهر در یک گزارش سری از اقدامات مورد نظر بختیار و اویسی در برخورد با آغاز جنگ این گونه سخن گفت: «بروز جنگ با توجه به دامنه کمک هایی که آن دو (اویسی و بختیار) از عراق دریافت کرده اند موجب سردرگمی آنان شده است. آنها احتمالا وسوسه شده تا به ایران برگردند و با کمک عراق اداره بخش های اشغالی خوزستان و یا کردستان را در اختیار خود بگیرند.»

در این گزارش‌ها، درباره وضع مالی دو سیاستمدار تبعیدی ذکر شده که ظاهرا هیچ یک از دو رهبر مشکل مالی نداشته و آنان احتمالا از سوی ایرانیان ثروتمند تبعیدی حمایت می‌شوند.

در این دیدارها اویسی و بختیار یکدیگر را متهم کردند که تحت حمایت مالی پرنسس اشرف پهلوی قرار دارند. ایمری عنوان کرده: «تعجبی ندارد اگر هر دو آن‌ها به نوعی مورد پشتیبانی حمایت خانواده سلطنتی و شاید مقداری هم از عراق کمک می‌گیرند».

در ادامه این گزارش درباره مناسبات ارتشید اویسی و حکومت صدام حسین در عراق آمده است: «ژنرال اویسی چندین دیدار از عراق داشته و ادعا می‌کند که گفتگوهای خوبی هم با پرزیدنت صدام حسین داشته است. شماری از افسران اویسی در عراق حضور دارند. او یک ایستگاه رادیویی در عراق دارد که برای ایران برنامه پخش می‌کند. او امکاناتی دارد که مردانش تقریباً هر زمانی که بخواهد می‌توانند در داخل ایران تردد کنند».

ایمری درباره طبیعت پیوند اویسی و عراق می‌نویسد: «اویسی معتقد است که صدام حسین بر اساس سه هراس، او را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. هراس از تصرف ایران توسط شوروی، در نتیجه سرنگونی رژیم بعثی در عراق، هراس از نفوذ خمینی در جامعه شیعه عراق و هراس از تبعات تجزیه کردستان ایران برای عراق».

به گفته ایمری، شاید صدام در پس ذهنش جاه طلبی تصرف خوزستان را داشته باشد. ولی در حال حاضر و با هر معیاری، هراس قوی‌تر از طمع او است. اویسی کمک عراق به خودش را مهم، ولی محدود توصیف کرد.

اویسی همچنین عنوان کرد که ارتباطات دوستانه‌ای را با حکومت‌های مصر، اسرائیل و عمان برقرار کرده و خواهان کمک از بریتانیا نیز هست و می‌خواهد این خواسته را با کویت، امارات عربی متحده و شاید پاکستان هم مطرح کند.

ایمری درباره بختیار و دیدارهایش با صدام حسین چنین نوشته است:

«بختیار هم تماس نزدیکی با عراقی‌ها برقرار کرده و یک یا چند ملاقات دوستانه هم با صدام حسین داشته است. قدردانی بختیار از نیت صدام حسین، واقعا همانند اوپسی است.»

ایم‌ری ضمن اشاره به اختلافات اوپسی و بختیار ادامه می‌دهد:

«همانند اوپسی، به بختیار نیز امکاناتی داده شده تا برخی از افرادش در عراق مستقر شده و به داخل ایران نفوذ کنند. او هم یک ایستگاه رادیویی برای خودش دارد که از رادیوی اوپسی جدا است.»

بختیار به ایم‌ری و تمپل موریس گفت که سازمانی گسترده در سراسر ایران دارد و تقریباً مانند شیوه دوران تبعید خمینی، هواداران بختیار هم نوار سخنرانی‌های او را در داخل کشور توزیع می‌کنند. او بدون آن که جزییاتی از کارش را افشا کند، اعلام کرد که مورد حمایت ارتشیان ایران هم است. ایم‌ری معتقد بود که بختیار ارتباطات بین‌المللی خوبی داشت، ولی بیشتر تماسهای او با کسانی بود که برای دیدن او به پاریس می‌رفتند.

ایم‌ری درباره روابط اوپسی و بختیار نوشت:

«اوپسی به خوبی از بختیار سخن گفت و از تلاش‌های او استقبال کرد، در عین حال گفت حاضر نیست که زیر دست او خدمت کند. اوپسی بختیار را سیاستمدار حزبی و لابد خود را فرمانده حکومت نظامی می‌داند که بعد از برقراری نظم به مردم اجازه می‌دهد که با اجرای یک همه‌پرسی تصمیم بگیرند.»

در مقابل، بختیار خواستار آن بود که «پس از تغییر حکومت توسط نظامیان و پاک کردن کشور از روحانیان و کمونیست‌ها» به عنوان فاز دوم دگرگونی وارد کار شود و پس از تایید مردم در یک همه‌پرسی، بار دیگر قانون اساسی مشروطیت را جاری سازد.

ایمیری افزود: بختیار هم از اویسی تعریف می‌کرد و حتما ارتباطاتی هم بین آن دو وجود دارد، ولی بختیار هم حاضر به اتحاد با اویسی نبود، چرا که فکر می‌کرد که این اقدام وجهه او به عنوان یک رهبر لیبرال را مخدوش می‌کرد. هم اویسی و هم بختیار شرایط جمهوری اسلامی را روز به روز به سمت ضعیف‌تر شدن ارزیابی کرده و قدرت افرادی چون بنی‌صدر، قطب زاده و امثال آنان را در برابر آیت‌الله خمینی و روحانیان را ناچیز می‌دانستند. به گفته بختیار: «خمینی به علاوه بنی صدر همچنان خمینی بود، ولی بنی صدر منهای خمینی هیچ نبود».

ایمیری در ارزیابی و توصیه پایانی گزارش خود خطاب به وزیر خارجه بریتانیا، با استناد به اطلاعات اویسی و بختیار درباره تقویت شدن حزب توده و مشکلات شدید داخلی و احتمال حمله نظامی شوروی به ایران، توصیه کرده بود که لندن برای جلوگیری از نفوذ و گسترش کمونیسم و شوروی از فعالیت‌های اویسی و بختیار حمایت کند.

بر اساس یک گزارش دیگر، ویتلی در روز ۱۷ جولای/ ۲۶ تیر در دیدار با فرانسیس گریه از مسئولان بخش خاورمیانه وزارت خارجه کشورش خلاصه‌ای از گفت و گویش با جواد خادم در معرفی گروه‌ها و رهبران اپوزیسیون ایرانی در تبعید را مطرح کرد.

در بخشی از این گزارش، از ارتشبد فریدون جم و دریادار احمد مدنی به عنوان حامیان بختیار یاد شده و عنوان شده که مدنی اکنون مخفی شده است. دیپلمات بریتانیایی در توضیح خود بر این گفت و گو ضمن تعجب از موضع مدنی به دلیل این که هنوز در ایران است تعجب، و نسبت به فعالیت جم در گروه بختیار نیز ابراز تردید کرده است.

در ادامه این گزارش همچنین از گروهی به نام «نقاب» [نجات قیام ایران بزرگ] یاد شده که دارای یک شورای پانزده نفره در داخل ایران بوده و در زمان ارسال این گزارش مدعی شده بود که در حال تدارک بازگرداندن بختیار به ایران طی سه ماه آینده است.

این تلاش را می‌توان به ماجرای نوژه نسبت داد، چرا که همین گروه مسئولیت کودتای نوژه را نیز برعهده گرفت که در ۱۸ تیر/ ۹ جولای و در فاصله گفت و گوی ویتلی با خادم و دیدار ویتلی با گری یه، خنثی و با شکست مواجه شده بود.

در ادامه این گزارش از قول خادم عنوان شده بود: «بختیار مطمئن است موقعی که زمانش فرا برسد، (آیت الله) شریعتمداری از او حمایت خواهد کرد».

به دنبال چندین روز مصلحت اندیشی، هماهنگی و کسب تکلیف با وزارت خارجه بریتانیا، فریدون جاهد، خبرنگار بخش فارسی رادیوی بی‌بی‌سی مصاحبه‌ای را با بختیار در پاریس در روز ۲۴ جولای ۱۹۸۰/ ۲ مرداد ۱۳۵۹ (سه روز قبل از درگذشت شاه) انجام داد. متن کامل این مصاحبه نیز برای بازبینی و اعلام نظر برای وزارت خارجه بریتانیا ارسال شد.

این مصاحبه در حالی انجام شد که بختیار قبلاً در دیدار با داوود آلیانس، رادیوی بی‌بی‌سی را «صد در صد طرفدار خمینی» نامیده و عنوان کرده بود که انگیزه راه اندازی ایستگاه رادیویی سیارش در ایران در جهت خنثی کردن تبلیغات بی‌بی‌سی است.

در این مصاحبه، بختیار در پاسخ به سؤالی درباره ادعای مقامات ایران درباره ارتباط بین کودتای نوژه و قصد اشغال ایران توسط عراق گفت: «من هرگز با اشغال ایران توسط عراق موافق نیستم، ولی متأسفانه ایران روز و شب به عراق حمله می‌کند».

خبرنگار بی‌بی‌سی مجدداً پرسید: آیا عراقی‌ها به شما قول چیزی را داده‌اند؟ بختیار پاسخ داد: «من از هیچ کس قول نمی‌خواهم، ولی منافع متقابلی وجود دارد و ما هر دو ضد رژیم خمینی هستیم».

مواضع اوبسی و بختیار در موضوعات مختلف موجب شده بود تا دیگر گروه‌های اپوزیسیون علاقه‌ای به همگامی با آنان نداشته باشند. برای مثال، در گزارش ۱۵ آگوست/ ۲۴ مرداد سر جان گراهام (سفیر فراخوانده شده بریتانیا از تهران) از قول ریچارد اپنهایمر روزنامه نگار بریتانیایی آمده بود که

دکتر خسرو شاکری پژوهشگر و فعال سیاسی ایرانی، در دیدا اخیرش به اینها می‌گفته که او عضو جبهه‌ای از مصدق‌گرایان است و مصمم است تا خود را از شاپور بختیار، ژنرال اوپسی و پالیزبان و منابع مالی و حمایت خارجی جدا نگاه دارد.

روابط اوپسی و بختیار با حکومت صدام حسین پس از آغاز جنگ نیز ادامه یافت. روز ۶ اکتبر ۱۳۵۹، (دو هفته پس از آغاز جنگ)، الین شیولینو خبرنگار هفته‌نامه نیوزویک در تهران اطلاعاتی را درباره فعالیت‌های اپوزیسیون خارج از ایران در اختیار لمپورت گذاشت. به عقیده شیولینو: «ایرانیان تبعیدی در پاریس دچار یک آشفتگی جدی هستند و کاملاً راه کنونی خود را گم کرده‌اند».

شیولینو بر اساس دیدارهای اخیر خود با اوپسی و بختیار عنوان کرد: «اوپسی کاملاً مخالف عراق نیست، ولی بختیار همچنان امیدوار است که از عراق به عنوان سکوی پرشی برای بازگشت به قدرت استفاده کند. اخیراً از بختیار پرسیده‌اند که همکاری با عراق چگونه با ناسیونالیسم تطابق دارد؟ او گفته است: چون او ناسیونالیست است، وظیفه او نخست جنگ با خمینی است و بعد حفظ ایران از تجاوز عراق».

یک گزارش سری دیوید میرز مسئول بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۳۵۹/۱۹۸۰ سوم مهر ۱۳۵۹، خبر از سفر بختیار به عراق در آستانه حمله نظامی عراق به ایران (۲۲ سپتامبر ۱۳۵۹/۳۱ شهریور ۱۳۵۹) می‌دهد. در ادامه این گزارش عنوان شده که عراق از اپوزیسیون ایرانی خواسته تا در جبهه‌های نبرد پشت سر نیروهای عراقی حاضر شوند تا دول خود را در مناطق اشغالی تشکیل دهند.

بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا در روز ۱۴ اکتبر ۱۳۵۸/۲۲ مهر ۱۳۵۸ در یک گزارش سری از اقدامات مورد نظر بختیار و اوپسی در برخورد با آغاز جنگ این گونه سخن گفت:

«بروز جنگ با توجه به دامنه کمک هایی که آن دو (اویسی و بختیار) از عراق دریافت کرده اند موجب سردرگمی آنان شده است. آنها احتمالا وسوسه شده تا به ایران برگردند و با کمک عراق اداره بخش های اشغالی خوزستان و یا کردستان را در اختیار خود بگیرند.»

در ادامه این گزارش سری تصریح شده که در بین نیروهای اپوزیسیون مذکور اختلاف نظرهایی درباره نحوه واکنش در برابر جنگ وجود دارد. برخی نگران آن بودند که محکوم کردن حمله عراق به عدم وفاداری به متحدشان تعبیر شود، برخی خواهان محکوم کردن صریح حمله عراق بودند و برخی فکر می کردند با محکوم کردن تجاوز عراق در بین نیروهای مسلح ایران محبوبیت کسب خواهند کرد. با این همه به نظر می رسد که همه در این مورد با یکدیگر متفق بودند که بروز جنگ به تحکیم وفاداری مردمی به رژیم و روحانیان منجر شده و برنامه های آنها را دست کم برای شش ماه به عقب انداخته است.

یک گزارش سری دیوید میرز مسئول بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا به تاریخ ۲۵ سپتامبر/سوم مهر، خبر از سفر بختیار به عراق در آستانه حمله نظامی عراق به ایران (۲۲ سپتامبر/۳۱ شهریور) می دهد. در ادامه این گزارش عنوان شده که عراق از اپوزیسیون ایرانی خواسته تا در جبهه های نبرد پشت سر نیروهای عراقی حاضر شوند تا دول خود را در مناطق اشغالی تشکیل دهند. در پایان این گزارش درباره بازتاب چنین اقدامی این گونه هشدار داده شده است: «من معتقدم که ایجاد دولت جایگزین تبعیدی مثلا در خوزستان، به شدت می تواند بخت آنان را برای این که هرگز توسط مردم ایران پذیرفته شوند را کاهش دهد، مگر آن که عراقی ها خود را آماده فتح کل ایران کنند تا تبعیدی ها را به قدرت برسانند».

روند این رایزنی ها در دیدارهای بعدی لرد جورج- براون با مقامات عراقی، بختیار و اویسی در پاریس و مقامات وزارت خارجه بریتانیا ادامه یافت. معاون سابق وزیر خارجه بریتانیا، در آخرین روزهای اکتبر ۱۹۸۰ با صدام حسین و طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق دیدار کرد. در

بازگشت او از بغداد، سفارت بریتانیا در کویت دو گزارش در تاریخ ۲۹ و ۳۰ اکتبر/ هفتم و هشتم آبان، شمه‌ای از دیدار براون با مقامات عراقی را به لندن ارسال کرد.

در گزارش نخست، جورج- براون بر اساس گفت و گو با سران عراق عنوان کرد که با توجه به مواضع ضدغربی خمینی و معتدل تر بودن صدام از این جهت، به صلاح حکومت بریتانیا است که با اپوزیسیون ایرانی برای سرنگونی حکومت تهران کمک کند.

براون با تشبیه کردن اقدام احتمالی گروه بختیار و اویسی تاکید کرد که آنان می‌توانند به شیوه نهضت مقاومت ملی فرانسه در جنگ جهانی دوم، با همکاری با طرف مقابل ضمن استفاده از ضعف حکومت ایران، خوزستان را جدا کرده و حکومت خود را در آن جا شکل دهند.

لرد کرینگتون وزیر خارجه بریتانیا در پاسخ به این گزارش، با اشاره به تماس های مداوم لرد جورج- براون با صدام حسین، بختیار و دیگر گروه های تبعیدی ایرانی و حمایت از او از نقشه «خوزستان آزاد» و ترویج آن در بین دوستان ایران- عراقی او، خواستار دریافت توضیحات بیشتری درباره این نقشه شد.

بر اساس این گزارش براون تصریح کرد که به دنبال رایزنی‌های او با مقامات عراق، قرار است در همین هفته، اویسی، امینی و بختیار در پاریس جلسه ای تشکیل داده و تصمیم دارند در بیانیه خود این گونه بیان کنند:

«آنان نمی توانند به عنوان میهن پرست حضور اشغالگران خارجی در ایران را بپذیرند، ولی با این حال آنان با حمایت ضمنی عراق قادر خواهند بود که حکومتی را در جنوب ایران تشکیل دهند تا دیگر میهن پرستان نیز به آن ملحق شوند».

در همین ارتباط، کریس رندل کریس رندل یکی از مسئولان بخش تحقیقات خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا در یک گزارش توصیفی محرمانه که در ابتدای نوامبر ۱۹۸۰ تهیه شده و مهر بایگانی هفتم نوامبر/ ۱۶ آبان بر آن خورده، در بررسی تحولات گذشته و حال خوزستان نوشت:

«یکی از دلایل یورش بی‌مهابای حکومت عراق به خاک ایران، اطلاعات گمراه کننده ایرانیان تبعیدی از جمله شاپور بختیار، مبنی بر این بود که احتمالاً به دلیل وجود اغتشاش در ارتش و بی‌ثباتی رژیم به دلیل مخالفت مردم، به ویژه در خوزستان، ایران قادر به جنگ نخواهد بود و مخالفت مردم موجب برافراشته شدن پرچم نیروهای آزادی‌بخش خواهد شد».

بر اساس گزارش های تازه آزاد شده درباره نخستین روزهای آغاز جنگ ایران و عراق، در این دوره، شماری از کشورهای عربی و اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور، به خصوص اوپسی و بختیار، بر این باور بودند که با حمله عراق به ایران ظرف یک هفته ارتش ایران شکست خواهد خورد و در طول یک ماه حکومت اسلامی سرنگون شده و دولت جدید تحت حمایت عراق در تهران، یا دست کم مناطق اشغالی مستقر خواهد شد.

این پیش بینی هرگز به وقوع نپیوست و موجب آغاز یک بازی بدون برنده و دو سر باخت برای مردمان هر دو کشور ایران و عراق شد.

✱

شاپور بختیار در آیین اسناد تازه آزاد شده آرشیو ملی بریتانیا (بخش دوم)

توضیح ۸ – جواد خادم، عامل بختیار و از سازمان دهندگان کودتای نوژه بود. از ماهها پیش، تحت نظر اطلاعات ارتش قرار داشت. هرگاه سپاه، به دستور خمینی و با هدف، متلاشی کردن سازمان ارتش، عملیات دستگیری را انجام نمی داد، اطلاعات ارتش، تمامی دست اندرکاران آن کودتا را دستگیر می کرد و بر اختیار خود نیز می افزود و سازمان ارتش نیز صدمه نمی دید و بسا صدام به

خود، جرأت حمله به ایران را نمی داد. چه کسانی خمینی را مطمئن کرده بودند کسی به ایران حمله نمی کند و چرا او را با ناتوان کردن ارتش موافق کرده بودند، پرسش مهمی است که روزی پاسخ دقیق خود را خواهد یافت.

https://www.radiofarda.com/.../f4_bakhtiar.../24292446.html

سند جدید در باره رابطه مستقیم سیا با شاپور بختیار و گزارش وی از ملاقاتش با صدام

استفاده دولت امریکا از افراد و گروه‌های ایرانی برای انجام خرابکاری و اغتشاش بقصد تضعیف دولت برآمده از انقلاب، سبب تشدید جو خشونت و تقویت گروه‌های نظامی از جمله سپاه و کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب شد. به بسته شدن جو سیاسی و تضعیف و حذف نیروهای سیاسی آزادی خواه، از جمله، حاصل این سیاست شدند. رویه امریکا را اسنادی که این دولت جدیداً منتشر کرده است، شفاف گزارش می‌کنند. تاریخ ۴۰ ساله اخیر نشان می‌دهد که افراد و گروه‌هایی که بدنبال استفاده از قدرتهای خارجی بودند، خود وسیله کار قدرتهای خارجی شدند. دکتر بختیار از امریکا و صدام کمک گرفت و اما آنها بعد از استفاده و ایجاد جنگ ۸ ساله عراق برضد ایران و قربانی شدن دو نسل ایرانی و عراقی و کشته شدن بیش از یک میلیون جوان و تضعیف تمام کشورهای خاورمیانه، او را رها کردند. او یکی از عوامل بازسازی استبداد با عنوان ولایت مطلقه فقیه شد.

<https://enghelabe-eslami.com/.../40572-2020-12-06-10-01...>

<https://enghelabe-eslami.com/component/content/article/21->

<didgagha/tarikhi/40572-2020-12-06-10-01-31.html>

✱

https://www.radiofarda.com/a/f4_bakhtiar_activity_documents_britain_archiv

e_02/24292446.html

سند جدید در باره رابطه مستقیم سیا با شاپور بختیار و گزارش وی از ملاقاتش با صدام



شاپور بختیار

صدام حسین

سایت انقلاب اسلامی در هجرت: در ماه نوامبر ۲۰۲۰، وزارت خارجه آمریکا اسناد در باره بحران گروگانگیری را از تاریخ نوامبر ۱۹۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۰، منتشر کرده است. بلافاصله پس از گروگانگیری، حکومت امریکا تمام اهرمهای فشار بر دولت ایران برای آزاد سازی سریع گروگانها را فعال می کند. برخی از این اقدامات عبارتند از:

بحران سازی در داخل ایران با کمک به گروه‌هایی برای ایجاد ناامنی و برخوردهای نظامی خصوصاً در مناطق مرزی ایران، کمک به نیروهای مخالف ایرانی در خارج از کشور از جمله پهلوی‌طلبها و

شاپور بختیار، هم برای استفاده از آنها در متزلزل کردن رژیم جدید و هم برای ایجاد یک آلترناتیو و در صورت امکان ساقط کردن دولت ایران.

فعال کردن رژیمهای عربی از جمله عراق، برضد ایران: صدام، در حمایت از امریکا، همان روزهای پس از گروگانگیری (سند شماره ۳۸ در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۷۹ برابر با ۲۸ آبان ۱۳۵۸) به آنها گفت می‌خواهد به قرارداد ۱۹۷۵ با ایران پایان دهد. امریکا نیز ایجاد فشارهای اقتصادی با سعی بر کنترل قیمت نفت و نیز کنترل منبع اصلی درآمد ایران، یعنی نفت خوزستان از راه آسیب رسانی به پالایشگاههای نفت و یا حتی کنترل کامل استان خوزستان، در دستور کار قرارداد می‌دانیم که برابری سندی، ارتشبد جمشید جم به امریکا پیشنهاد کرده بود خوزستان را تصرف کند و دولت برآمده از انقلاب را سرنگون کند.

✱

پیشنهاد ارتشبد جم به امریکائیان در آبان ۱۳۵۸: امریکا به خوزستان حمله کند و بگذارد روسها هم شمال ایران را تصرف کنند!

alisedarat.com/2018/09/13/4133

✱

استفاده دولت امریکا از افراد و گروه‌های ایرانی برای انجام خرابکاری و اغتشاش بقصد تضعیف دولت برآمده از انقلاب، سبب تشدید جو خشونت و تقویت گروه‌های نظامی از جمله سپاه و کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب شد. به بسته شدن جو سیاسی و تضعیف و حذف نیروهای سیاسی آزادی خواه، از جمله، حاصل این سیاست شدند. رویه امریکا را اسنادی که این دولت جدید منتشر کرده است، شفاف گزارش می‌کنند. تاریخ ۴۰ ساله اخیر نشان می‌دهد که افراد و گروه‌هایی که بدنبال استفاده از قدرتهای خارجی بودند، خود وسیله کار قدرتهای خارجی شدند. دکتر بختیار از امریکا و صدام کمک گرفت و

اما آنها بعد از استفاده و ایجاد جنگ ۸ ساله عراق برضد ایران و قربانی شدن دو نسل ایرانی و عراقی و کشته شدن بیش از یک میلیون جوان و تضعیف تمام کشورهای خاورمیانه، او را رها کردند. او یکی از عوامل بازسازی استبداد با عنوان ولایت مطلقه فقیه شد.

سند واقعیتی را در بردارد که همه سندهای از این نوع، در بردارند: بختیار برای جلب حمایت امریکا از خود، در گفتن دروغ و گزافه، اندازه نگه نمی داشته است. مراجعه کنندگان نظیر او، به امریکا، نیز همین رویه را داشته اند. غافل از این که نفس مراجعه به قدرت خارجی، گویای ضعف است. ولو سیا در گزارش خود می گوید نمی داند گفته های بختیار راست هستند یا نه، اما امریکا بمثابه قدرت می داند که این گونه کسان را چگونه آلت فعل خود کند. چنان که در تجاوز عراق به ایران، با کودتای نوژه و رفتن به اتفاق جورج براون، وزیر خارجه اسبق انگلستان و اویسی نزد صدام برای اطمینان دادن به او که ارتش ایران متلاشی است و توانا به مقاومت نیست و تحریص او به حمله به ایران و ایفای نقش ستون پنجم، آلت فعل شد. شخصی که بعد از شکست تجاوز عراق، به دروغ، مدعی شد عراق را به حمله به ایران برنیانگیخته است، به قول خودش، دست کم، از پائیز 1358، با صدام ارتباط داشته و بر سر حمایت صدام از استقرار او در خوزستان و تصرف کویت توسط صدام با او معامله کرده است.

تاریخ سند ۱۱ دسامبر ۱۹۷۹ برابر با ۲۰ آذر ۱۳۵۸

دفتر بایگانی اسناد تاریخی وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا

مرکز ، اسناد تاریخی ، روابط خارجی ایالات متحده ، ۱۹۷۷-۱۹۸۰ ، جلد ۱۱ ، بخش ۱ ایران :

بحران گروگانگیری ، نوامبر ۱۹۷۹ - سپتامبر ۱۹۸۰

سند ۹۳

روابط خارجی ایالات متحده ، ۱۹۷۷-۱۹۸۰ جلد ۱۱ - بخش ۱ : بحران گروگانگیری ، نوامبر

۱۹۷۹ - سپتامبر ۱۹۸۰

93- یادداشت از سوی ریاست سازمان اطلاعات مرکزی ترنر به وزیر خارجه ونس و دستیار امور

امنیت ملی رئیس جمهور (برژینسکی) ۱

واشنگتن ۱۱ دسامبر ۱۹۷۹

موضوع

رابطه مستقیم سیا با شاپور بختیار

۱- در ۸ دسامبر، یک افسر این آژانس رابطه مستقیم با شاهپور بختیار ۲، برقرار کرد (کمتر از ۱ سطر از طبقه‌بندی خارج نشده است) یک کانال غیر مستقیم ارتباطی بین بختیار و این سازمان در اواخر ماه اوت تنظیم شده بود. ولی اخیراً بختیار، بخاطر وضعیت بحرانی در ایران، درخواست مؤکد برای ملاقات با یک افسر سیا کرده است.

۲- در ملاقاتی یکساعت و نیمه با یکی از افسران ما، بختیار گفت او باور دارد که هر حکومت ماندگار آینده باید اندکی متمایل به چپ میانه و شامل عناصر شدیداً دست راستی و دست چپی به منظور کنترل کردن آنان باشد. او بر این باور است که خمینی حد اکثر تا سه ماه دیگر دوام نخواهد آورد. بدین‌خاطر، او در حال تلاش برای انسجام دادن به تشکیلات خود است. بختیار ادعا کرد که درست در حالیکه بنظر می‌رسد (کمتر از ۱ سطر از طبقه‌بندی خارج نشده است) او کار زیادی نمیکند، در واقع او خیلی پیشرفت کرده است. مخصوصاً او اظهار میکند که :

آ - او در حال جمع‌آوری و تشکیل یک «ستاد» در تهران است [صفحه ۲۴۳] برای طراحی برنامه بازگشت خود. در بین اعضاء افسران نظامی هستند که می‌توانند گروه‌های بزرگی را بسیج کنند و در زمان نیاز، آنها را برای حمایت از او فراخوانند.

ب - او در حال برنامه ریزی برای بازگشت به خوزستان در حدود یکماه دیگر است اگر شرایط اجازه

دهند

ث - او روابط با دریادار مدنی استاندار خوزستان و فرمانده نیروی دریایی ایران برقرار کرده است [۳] سطر از طبقه بندی خارج نشده اند] .

د- او ارتباطاتی با [کمتر از ۱ سطر از طبقه بندی خارج نشده است] فرقه‌های شاخص کرد عراقی دارد [۲ سطر از طبقه بندی خارج نشده اند]

ای -جبهه ملی حالا کاملاً از او حمایت میکند و او اینرا بعنوان یک رویداد سیاسی اساسی تلقی میکند. علی‌الظاهر کریم سنجابی و دیگر مخالفان بختیار اخراج شده اند .

ف -ستاد او در تهران در حال حاضر یک ایستگاه سیار اف ام راه اندازی کرده که اعضاء از طریق آن نوارهای کاست سخنرانی های او را پخش میکنند .

ج - عراقی ها به او وعده حمایت داده اند در قبال موافقت او با اشغال کویت از سوی عراق. او قول داده است مخالفتی با الحاق کویت به عراق نکند. بختیار بر این باور است که او میتواند این معامله را فعلاً قبول کند ولی متعاقباً وقتی قدرت را در ایران در دست می‌گیرد، به قول خود در باره کویت عمل نکند .

ح - [۴ سطر از طبقه بندی خارج نشده اند] در باره ادعای بختیار بر میزان پیشرفتش، ما فاقد مدارکی دال بر اثبات یا رد آن، هستیم. ما به بررسی‌های خود برای درک سطح واقعی پیشرفت‌های او ادامه خواهیم داد .

۳- بختیار به افسر ما گفته است از تماس‌های ژنرال غلام علی اویسی فرمانده پیشین نیروی زمینی شاه نگران است. اویسی یک افسر بسیار شایسته‌ای می باشد که می تواند بسیار برای او، بختیار، مفید واقع شود. او احساس میکند که تماس‌های اویسی با والاحضرت اشرف و حامیان شاه میتواند مشکل ساز باشد. او تأکید میکند که او هیچ تمایلی به رابطه با خاندان سلطنتی سابق ندارد.

۴ - افسر ما از بختیار پرسید که او دقیقاً چه چیزی از دولت ایالات متحده آمریکا میخواهد، بختیار چنین پاسخ داد :

آ - او مایل است که ما بر دیگر دولت ها تاثیر بگذاریم که از او حمایت کنند. او مایل است مساعد رسانه ها از او حمایت کنند. او مایل است که ما بعضی از دولت ها را برای کمک مالی به او ترغیب کنیم [کمتر از ۱ سطر از طبقه بندی خارج شده است].

ب - او مایل است که ما شاه و حامیانش را دخیل نکنیم :

بختیار گفت که زمان بحرانی است بخاطر اینکه خمینی بزودی سقوط خواهد کرد و این ایجاد خلاء سیاسی میکند که باید پر شود. او گفت که آماده اقدام است و اگر حمایت مالی لازم از او بشود او بخت مناسبی برای موفقیت دارد. او گفته است با وجود اینکه او با خرسندی کمک های مادی از دیگر کشورها را قبول میکند، «مغز متفکر» باید آمریکا باشد .

۵- من توصیه میکنم که ما تاییده SCC و ریاست جمهوری را برای یافته ها در عملیات مخفی (سری) که ضمیمه شده کسب کنیم [۴ خط از طبقه بندی خارج نشده اند]

استنسفیلد ترنر (۳)

ضمیمه

(واشنگتن بدون تاریخ)

یافته های ریاست جمهوری (۴)

بر حسب بخش ۶۶۲ کمک های خارجی قانون ۱۹۶۱، همانطور که اصلاح شده. راجع به عملیات در کشورهای خارجی بغیر از آنها که فقط به منظور جمع آوری اطلاعات (جاسوسی) هستند .

من در می یابم که عملیات ذیل در یک کشور خارجی برای امنیت ملی ایالات متحده مهم هستند، و دستور میدهم که ریاست سیا، یا برگزیده او، یافته های خود را به کمیته های مربوطه کنگره گزارش کند طبق بخش ۶۶۲، و این گونه گزارش ها را هر زمان لازم است تقدیم کند .

محدوده ایران

شرح: هدایت تبلیغات و انجام عملیات سیاسی - اقتصادی برای تضعیف و مختل کردن رژیم خمینی؛ تماس گرفتن با رهبران مخالفین و دولت های علاقمند منطقه برای تشکیل جبهه وسیع ضد خمینی که قابلیت تشکیل دولت جایگزین را داشته باشد .

۱- منبع : سازمان سیا، دفتر رئیس سیا عملیات M01183R95: پرونده های خط مشی (-۱۹۷۷
(۱۹۸۱)، جعبه ۱، پرونده ۵ : رئیس سیا ترنر - پرونده های فقط چشم ها - موضوعات مختلف. سری
؛ حساس. برژینسکی و ترنر توافق کردند که این یادداشت و یادداشت ۵ دسامبر کلاریس را به کارتر
نشان دهند (سند شماره ۸۵ را ملاحظه کنید) ولی به ونس نشان ندهند. (سازمان سیا دفتر رئیس
سازمان عملیات

:B00112R 81

پرونده های موضوع، قوطی ۱۵، پرونده ۴۲ :

رئیس سیا/ معاون سیا/ اضا / یادداشت ها/ دستور جلسات ملاقات های برژینسکی/ ارون

۲- در آغاز یادداشت، کارتر نوشت: بختیار طرفی خطرناک است اگر او اشاره ای به همدستی

آمریکا (کویت) بکند، «خیلی مواظب باشید»

۳- چاپ شده از یک کپی با این امضای تایپی .

۴- سری؛ حساس

۵- یک یادداشت با دست خط کارتر می گوید، «زیببگ» (برژینسکی) جمله بندی را عوض کن تا مثبت شود - طرفدار آمریکا و طرفدار دموکراسی ج (جیمی کارتر)

93. Memorandum From Director of Central Intelligence Turner to Secretary of State Vance and the President's Assistant for National Security Affairs

(Brzezinski)¹

Washington, December 11, 1979

SUBJECT

Direct CIA Contact with Shahpour Bakhtiar •

1. On 8 December, an officer of this Agency established direct contact [**less than 1 line not declassified**] with Shahpour Bakhtiar.² An indirect channel of communications between Bakhtiar and this Agency had previously been arranged in late August, but recently Bakhtiar, because of the critical situation in Iran, reiterated his request for a personal meeting with a CIA officer.
2. During the one and one-half hour meeting with our officer, Bakhtiar said that he believes any viable future government must be slightly left of center and must include elements of the far right and far left in order to control them. He believes Khomeini has three months remaining at most and, as a result, he has

been making strenuous efforts to put his organization together. Bakhtiar contended that while it may appear [**less than 1 line not declassified**] he is not doing much, he has in fact made a lot of progress.

Specifically, he professes that:

a. He has been assembling a “staff” in Tehran to plan for his return. Among the members are military officers who can mobilize large groups upon which he can call for support in time of need.

b. He is planning to return to Khuzestan in about a month if his planning permits.

c. He has established contact with Admiral Madani, Governor of Khuzestan Province and Commander of the Iranian Navy. [**3 lines not declassified**]

d. He has links to [**less than 1 line not declassified**] prominent Iraqi Kurdish factions, the [**2 lines not declassified**].

e. The National Front now completely supports him, and he considers this a solid political development. Karim Sanjabi has allegedly been thrown out along with others who oppose Bakhtiar.

f. His staff in Tehran is now operating a small portable FM station broadcasting cassettes of his speeches.

g. The Iraqis have offered him support in exchange for an agreement that he would not oppose their absorbing Kuwait. Bakhtiar believes that he can make this deal now but subsequently when in power in Iran ignore the part of the bargain concerning Kuwait.

h. **[4 lines not declassified]**

We lack corroborating evidence that would either confirm or deny that Bakhtiar has made as much progress as he avers. We will continue to check on his actual state of progress.

3. Our officer was also told that Bakhtiar is concerned about his contacts with General Gholam Ali Oveisi, former commander of the Shah's army. While Oveisi is a highly competent officer and would be very useful to Bakhtiar, he feels that Oveisi's contacts with Princess Ashraf and supporters of the Shah could cause trouble, and he emphasized that he wants nothing to do with the former royal family. **[2 lines not declassified]**

4. Our officer then asked Bakhtiar exactly what he wanted from the United States Government. Bakhtiar replied as follows:

a. He would like us to influence other governments to support him. He would like favorable media coverage. He would like us to encourage some governments **[less than 1 line not declassified]** to provide financial support.

b. He would like us to try and keep the Shah and his supporters from becoming involved.

Bakhtiar said that time is critical because Khomeini will soon fall, creating a political vacuum that must be filled. He said that he is prepared to move and that if he gets the necessary financial support he has a reasonable chance of succeeding. While Bakhtiar's requests for assistance are modest, we believe from other information that he feels without US support behind him, and without direct US guidance, he has little chance of success. He has said that while he would willingly accept material assistance from other nations, the "brainpower" must come from the US.

5. I recommend that we obtain SCC and Presidential approval of the covert action finding which is attached [**4 lines not declassified**].

Stansfield Turner³

Attachment

Presidential Finding⁴

Washington, undated

Finding Pursuant to Section 662 of the Foreign Assistance Act of 1961, As Amended, Concerning Operations in Foreign Countries Other Than Those Intended Solely for the Purpose of Intelligence Collection

I find the following operation in a foreign country is important to the national security of the United States, and direct the Director of Central Intelligence, or his designee, to report this finding to the concerned committees of the Congress pursuant to Section 662, and to provide such briefings as necessary.

SCOPE

DESCRIPTION

IRAN Conduct propaganda and political and economic action operations to weaken and disrupt the Khomeini regime; make contacts with Iranian opposition leaders and interested area governments in order to establish a broad, anti-Khomeini front capable of forming an alternative government.⁵

1. Source: Central Intelligence Agency, Office of the Director of Central Intelligence, Job 95M01183R: Policy Files (1977–1981), Box 1, Folder 5: Turner—Eyes Only Files—Various Subjects. Secret; Sensitive. Brzezinski and Turner agreed to show this memorandum and Kalaris’s December 5 memorandum (see Document 85) to Carter, but not to Vance. (Central Intelligence Agency, Office of the Director of Central Intelligence, Job 81B00112R: Subject Files, Box 15, Folder 42: DCI/DDCI/Memrecs/Memos/Agendas of Brzezinski/Aaron Meetings)

2. At the top of the memorandum, wrote: “Bakhtiar is a dangerous contact if he should imply any US complicity (Kuwait)—be very careful.

C.”

- 3. Printed from a copy with this typed signature.
- 4. Secret; Sensitive.
- 5. A handwritten note Carter reads: "Zbig, Change wording to let it be positive—pro-US & pro-democracy. J."

<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1977-80v11p1/d93>

✱

آدرس مطلب در سایت (سایت علی صدارت : رسانه‌های ملی همگانی به مثابه شاخه چهارم دولت) را در ذیل آورده‌ایم.

مطلب صوتی/تصویری را، می‌توانید مستقیماً در این آدرس بشنوید/ببینید.

در این آدرس، بعضی دیگر رسانه‌ها که هم این مطلب و نیز برخی دیگر از مطالب سایت در آن‌ها منتشر می‌شوند، قابل دسترسی هستند.

از این راه هر کدام از ما هم می‌توانیم به سهم خود و به نوبه خود، برای احقاقِ حقِ آگاهی‌یابی و برای احقاقِ حقِ آگاهی‌رسانی، به عنوان یک «کنش‌گر حقوق بشر» فعال شویم. با عضو شدن، و دنبال کردن، و مشترک شدن، و رای دادن، و ابراز نظر، و پسندیدن، و پیاده کردن، و به دوستان خود ایمیل کردن، و... و با ابتکار برای سایر روش‌های هم‌رسانی، نقش‌آفرین گردیم: